

Investigating the Effectiveness of Emotionally-Focused Approach Training on Improving Interpersonal Sensitivity in Couples on the Verge of Divorce

Saleh Salehi¹, Fahimeh Fadakar Davarani²

1. Master of Science in Clinical Psychology, Medical Sciences Branch, Qom Azad University, Qom, Iran. (Saleh.salehii@yahoo.com)
2. (Corresponding author), PhD of Counseling, Assistant Professor, Counseling Department, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (F_fadakar@atu.ac.ir)

ABSTRACT

Received: 12/05/2024 - Accepted: 09/10/2024

Aim: This research was conducted to investigate the effect of emotion-focused approach training on improving interpersonal sensitivity in couples on the verge of divorce. **Methods:** The research method was quantitative and semi-experimental (pre-test-post-test design, with control group). The statistical population of the present study includes couples on the verge of divorce in Tehran province, regions 11 and 12, who are between the ages of 25 and 35 years old and have been selected voluntarily and based on the inclusion criteria for the study. The sample size of the study was 20 couples on the verge of divorce, who were selected by random sampling from couples on the verge of divorce who had referred to legal centers and counseling centers in Tehran for legal matters. The data collection tool was the interpersonal sensitivity questionnaire, and to test the research hypotheses, multivariate analysis of covariance was used with the assumptions (homogeneity of regression coefficients, linearity of the relationship between variables, normal distribution of the studied characteristic, homogeneity of variances). **Findings:** The results of the study indicate that the dimensions of interpersonal sensitivity (interpersonal awareness, need for approval, separation anxiety, shyness, and low self-esteem) in couples on the verge of divorce who received emotion-focused approach training were lower than those in couples who did not receive this training. **Conclusion:** The results of this study indicate that the emotion-focused approach training program had a significant effect on improving interpersonal sensitivity in couples on the verge of divorce and could be considered as an effective training program by psychologists and counselors.

Keywords: Emotionally-focused approach, interpersonal sensitivity, couples, divorce



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۳، شماره ۹۲، زمستان ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v23i92.17848

بررسی اثربخشی آموزش رویکرد هیجان مدار بر بهبود حساسیت بین فردی در زوجها در آستانه طلاق

صالح صالحی^۱، فهیمه فداکار داورانی^۲

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی. واحد علوم پزشکی دانشگاه آزاد قم. قم. ایران. Saleh. Salhii@yahoo.com
۲. (نویسنده مسئول)، دکتری مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. F_fadakar@atu.ac.ir

(صفحات ۱۶۳-۱۷۵)

چکیده

هدف: بررسی تأثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر بهبود حساسیت بین فردی در زوجها در آستانه طلاق می باشد.

روش: روش تحقیق به صورت کمی و از نوع نیمه آزمایشی (طرح پیشآزمون-پسآزمون با گروه کنترل) بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل زوجها در آستانه طلاق استان تهران منطقه ۱۱ و ۱۲ هستند که در دامنه سنی بین ۲۵ تا ۳۵ سال باشند و بصورت داوطلبانه و براساس ملاک های ورود به پژوهش انتخاب شده اند. تعداد نمونه پژوهش ۴۰ نفر از زوجها در آستانه طلاق بودند که به روش نمونه گیری تصادفی از زوجها در آستانه طلاق که برای انجام امور حقوقی به مراکز حقوقی و مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه کرده بودند، انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه حساسیت بین فردی بود و برای آزمون فرضیه های تحقیق از تحلیل کواریانس چند متغیری با رعایت مفروضه ها (همگنی ضرایب رگرسیون، خطی بودن رابطه بین متغیرها، توزیع نرمال ویژگی مورد بررسی، همگنی واریانسها) استفاده شد.

یافته ها: نتایج تحقیق حاکی از آن است که ابعاد حساسیت بین فردی (آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت نفس) در زوجها در آستانه طلاق که آموزش رویکرد هیجان مدار دریافت کردند کمتر از زوج هایی است که این آموزش را دریافت نکردند.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که برنامه آموزش رویکرد هیجان مدار تأثیر معناداری بر بهبود حساسیت بین فردی در زوج هایی در آستانه طلاق داشته و می تواند به عنوان برنامه آموزشی موثر مورد توجه روان شناسان و مشاوران باشد.

واژه های کلیدی: رویکرد هیجان مدار، حساسیت بین فردی، زوجها، طلاق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸

مقدمه

خانواده یکی از مهم ترین نهادهای جامعه و شکل دهنده شخصیت آدمی است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است (برنسین،^۱ ۲۰۱۹). خانواده نظام عاطفی پیچیده‌ای است که چند نسل را در بر میگیرد و وجه تمایز آن با سایر نظامهای اجتماعی در وفاداری، عاطفه و دائمی بودن عضویت در آن است (اسکندری و پرندین، ۱۴۰۱). داشتن روابط اجتماعی نزدیک مانند ازدواج، هم با بهزیستی افراد و هم با پیامدهای سلامتی روانی و جسمانی در ارتباط است. تلاش برای تداوم زندگی زوج‌ها، از مهمترین اهداف جوامع بشری است تا به این ترتیب خانواده را از خطر فروپاشی و طلاق نجات دهند و افراد را در خانواده با کیفیت بهتری از سلامت روان حفظ نمایند (تودورو و همکاران، ۲۰۲۳). طلاق به معنی پایان شرعی و قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است و در پی آن حقوق و تکالیف متقابلی که بین زوج‌ها در هنگام ازدواج وجود داشته از میان می‌رود. طلاق معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که استحکام ازدواج از بین می‌رود و میان زوج‌های ناسازگاری و تنش وجود دارد (چن^۳، ۲۰۲۱). طلاق همواره زنگ هشدار و خطری برای تمامی جوامع به شمار می‌رود که در این میان محققان با پژوهشهای متعدد درصدد یافتن عوامل موثر و دخیل بر آن هستند (ریدنور^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). از نگاه سارروخانی پدیده اجتماعی طلاق به عوامل متعددی وابسته است که گاهی این عوامل عینی، ملموس و کمی و قابل اندازه‌گیری می‌توانند باشند. حال باید دید چه عواملی تأثیر چشمگیرتری در ایجاد این تنش‌ها و ناسازگاری‌ها دارد (کریمی ۱۳۹۴). در بین عوامل مؤثر بر تداوم زندگی زوج‌ها، نقش حساسیت در روابط میان فردی حائز

1. Bernstein

2. Ridenour

3. Chen

4. Ridenour

اهمیت است که گاهی می‌تواند به طلاق منجر شود (تودورو^۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

پژوهش در زمینه حساسیت بین فردی هم در پژوهشهای کمی و هم در پژوهشهای کیفی انجام شده است. مطالعات در شرایط کمی بر سطوح بالای حساسیت بین فردی متمرکز شده است و بعضی از پژوهشگران این مفهوم را گسترش داده‌اند به گونه‌ای که حساسیت به طرد را نیز در بر می‌گیرد (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۱). حساسیت بین فردی می‌تواند تأثیر مهمی بر روابط زناشویی داشته باشد. افراد با حساسیت بین فردی بالا ممکن است به راحتی به مشکلات در رابطه واکنش منفی نشان دهند، که می‌تواند به مشکلات بیشتر و در نهایت به طلاق منجر شود. این می‌تواند به دلیل عدم توانایی در مدیریت و کنترل احساسات و واکنش‌ها باشد. در عوض، افرادی که حساسیت بین فردی کمتری دارند ممکن است بتوانند با مشکلات روابطی بهتر کنار بیایند و روابط پایدارتری را تجربه کنند (کمال و همکاران، ۲۰۲۳). لرکی (۱۴۰۱) نیز بیان داشت: حساسیت بین فردی می‌تواند باعث تعارض زناشویی و در نهایت جدایی زوج‌ها شود به این دلیل که افراد با حساسیت بین فردی بالا ممکن است سخت‌گیری بیش از حد در مورد نیازها و انتظاراتشان داشته باشند و این می‌تواند به اختلافات بیشتر و تعارض‌های بیشتر در رابطه منجر شود. به علاوه، این افراد ممکن است دشواری در مدیریت احساساتشان داشته باشند و واکنش‌های غیرمنطقی و شدیدی نسبت به مسائل زندگی زناشویی داشته باشند که می‌تواند به تعارضات بیشتر منجر شود.

با توجه به پیامدهای نامطلوب حساسیت بین فردی بالا و تأثیر بسزای آن در بروز تعارضات زوج‌ها، تلاش شد با انتخاب رویکرد هیجان مدار بر مدیریت آن اقدام شود چرا که نقش تنظیم هیجانات در تغییرات درون روانی و بین فردی بویژه حساسیت بین فردی، بسیار مهم و پیچیده است. درمانهایی که بر حذف مشکلات روانی از طریق نادیده گرفتن هیجانات متمرکز هستند، می‌توانند منجر به تداوم هیجانات ناکارآمد شده

و در نتیجه مشکلات روانی ممکن است به طور مؤثر حل نشوند. (گرینبرگ و گلدمن، ۲۰۰۷) در درمان هیجان مدار (EFT) هیجانان در رأس درمان قرار داشته و به عنوان نیروی محرکه درمان محسوب می‌شوند. این رویکرد درمانی که توسط گرینبرگ در دهه ۱۹۸۰ توسعه یافت یک چارچوب منحصر به فرد برای کار با فرایندهای هیجانی ارائه داده و از تکنیک‌های هدفمند برای تحریک و تغییر تجربیات هیجانی مراجعان استفاده می‌کند (گرینبرگ و باس، ۲۰۱۶). طی درمان مراجع از طریق یادگیری روشهای درست برچسب زدن به، هیجانان، یادگیری تنظیم و تعدیل هیجانان شدید و دگرگون کردن هیجانان ناسازگارانه و دردناک، اصلی می‌تواند تنظیم و ابزار تجربیات هیجانی خود را به شکل بهینه تر بدست آورد. (گرینبرگ، ۲۰۰۸)

با توجه به اهمیت خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن و نیز افزایش آمار طلاقهای عاطفی و رسمی در کشور و تبعات ناشی از آن در آرامش فردی، فرهنگ اجتماعی، اقتصاد و ...، پیش‌گیری از طلاق زوج‌ها حیاتی به نظر می‌رسد. از آنجا که ادبیات در دسترس نشان می‌دهد پژوهشی که به بررسی تأثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر بهبود حساسیت بین فردی به ویژه در زوج‌های در آستانه طلاق پردازد، وجود ندارد، با این سوال اساسی رو به رو هستیم که آیا آموزش رویکرد هیجان مدار بر بهبود حساسیت بین فردی در زوج‌های در آستانه طلاق تأثیری دارد یا خیر؟

روش پژوهش

این مطالعه، پژوهشی کمی و از نوع نیمه آزمایشی (طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل) است.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل زوج‌های در آستانه طلاق استان تهران منطقه ۱۱ و ۱۲ هستند که در دامنه سنی بین ۲۵ تا ۳۵ سال باشند و بصورت داوطلبانه و براساس ملاک‌های ورود به پژوهش انتخاب شده‌اند. تعداد نمونه پژوهش ۲۰ نفر از زوج‌ها در آستانه طلاق بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی از زوج‌ها در آستانه طلاق که برای

انجام امور حقوقی به مراکز حقوقی و مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه کرده بودند، انتخاب شدند. در برآورد حجم نمونه، از توصیه‌های کرلینجر استفاده شد مبنی بر این که برای طرح‌های آزمایشی، انتخاب در دسترس نمونه ۲۰ نفری، میتواند قابلیت اعتبار بیرونی یافته‌های پژوهشی را تضمین نماید. ضمناً ملاکهای ذیل برای ورود به پژوهش حاضر مد نظر قرار گرفت: رضایت آگاهانه برای ورود به پژوهش، عدم ابتلا به اختلالات خاص روان پزشکی، عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، دامنهی سنی بین ۲۵ الی ۳۵ سال، زوج‌هایی که در یکسال گذشته حداقل یکبار از طریق قانونی اقدام به طلاق کرده اند و در حال طی مراحل هستند.

در پژوهش حاضر، گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه صورت گرفت، پرسشنامه مورد استفاده، پرسشنامه حساسیت بین فردی (IPDSM) بود که توسط بایس و پارکر در سال ۱۹۸۹ برای سنجش حساسیت بین فردی با حساسیت به طرد اجتماعی ابداع شد. این پرسشنامه شامل ۳۶ سؤال و ۵ زیرمقیاس است. زیرمقیاس‌های این پرسشنامه عبارتند از: آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت نفس شکننده، بایس و پارکر (۱۹۸۹) آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین فردی ۰/۷۶، نیاز به تأیید ۰/۵۵، اضطراب جدایی ۰/۶۷، کمرویی ۰/۶۳ و عزت نفس شکننده ۰/۵۹ و کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آوردند. همچنین آنها روایی همزمان این آزمون را با آزمون قضاوت بالینی حساسیت بین فردی برابر ۰/۷۲ برآورد نمودند که نشانگر روایی همزمان بالای این پرسشنامه است. در ایران آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش وجودی (۱۳۹۳) برابر با ۰/۸۱ به دست آمد. همچنین محمدیان و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی مشخصات روان سنجی این پرسشنامه پرداختند. آنها آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین فردی ۰/۷۰، نیاز به تأیید ۰/۵۱، اضطراب جدایی ۰/۵۸، کمرویی ۰/۵۸ و عزت نفس شکننده ۰/۷۰ و کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آوردند.

سؤالات	خرده مقیاس
۳۶، ۳۰، ۲۸، ۲۳، ۱۰، ۴، ۲	آگاهی بین فردی
۳۴، ۲۰، ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۱۱، ۸، ۶	نیاز به تأیید
۲۹، ۲۶، ۲۵، ۱۹، ۱۷، ۱۵، ۱۲، ۱	اضطراب جدایی
۳۳، ۳۲، ۲۲، ۲۱، ۱۴، ۹، ۷، ۳	کمرویی
۳۵، ۳۱، ۲۷، ۲۴، ۵	عزت نفس شکننده

در تجزیه و تحلیل استنباطی به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از تحلیل کواریانس چند متغیری با رعایت مفروضه‌ها (همگنی ضرایب رگرسیون، خطی بودن رابطه بین متغیرها، توزیع نرمال ویژگی مورد بررسی، همگنی واریانسها) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به فرضیه ارائه شده برای تعیین تأثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر ابعاد حساسیت بین فردی (آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت نفس شکننده) در زوج‌ها در آستانه طلاق از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیری استفاده شده است که برای استفاده از این آزمون مفروضه‌های لازم است که باید برقرار باشد که آزمون لون و آزمون ام باکس استفاده شده است.

نتایج آزمون لوین جهت تعیین برابری واریانس‌ها

F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
۱/۵۰۴	۱	۳۸	۰/۲۲۸
۱/۴۲۵	۱	۳۸	۰/۲۴۰
۳/۰۲۸	۱	۳۸	۰/۰۹۰
۲/۹۳۳	۱	۳۸	۰/۰۹۵
۳/۰۳۵	۱	۳۸	۰/۰۹۰

طبق نتایج جدول، سطح معنی داری خطای آزمون برابری واریانس‌ها ($p > 0.05$) نشان می‌دهد که واریانس‌ها همگن هستند.

آزمون باکس جهت بررسی مفروضه‌های همگنی ماتریس واریانس

مقدار	آزمون
۴۵/۷۸۰	باکس
۱/۸۰۷	F
۲۱	درجه آزادی ۱
۵۳۱۱/۳۰	درجه آزادی ۲
۰/۱۱۳	سطح معناداری

همانطور که در جدول، نتیجه آزمون باکس جهت بررسی مفروضه‌های همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس متغیرهای وابسته در گروه‌های آزمایش و کنترل آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج، سطح معناداری ($\text{sig} = 0/113$)، بزرگتر از $0/05$ می‌باشد. بنابراین مفروضه همگنی ماتریس واریانس - کوواریانسها برقرار می‌باشد. با توجه به جدول ۴-۱۰ و ۴-۱۱ از آنجایی که مفروضه‌های همگنی واریانسهای خطا و همگنی ماتریس کوواریانسها برقرار بودند؛ از تجزیه و تحلیل کوواریانس چندمتغیری به منظور مقایسه نمرات ابعاد ابعاد حساسیت بین فردی شامل (آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت نفس شکننده) در گروه‌های مورد مطالعه استفاده شد.

نتایج آزمون معناداری تحلیل کوواریانس چند متغیری آموزش رویکرد هیجان مدار بر ابعاد حساسیت بین فردی شامل (آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت نفس شکننده).

نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	P	مجذور اتا
اثر پیلایی	۰/۶۸۵	۸/۶۳۹	۵	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۵۸
لامبدا ویلکز	۰/۳۴۲	۸/۶۳۹	۵	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۵۸
اثر هتلینگ	۱/۹۲۰	۸/۶۳۹	۵	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۵۸
بزرگترین ریشه خطا	۱/۹۲۰	۸/۶۳۹	۵	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۵۸
اثر پیلایی	۰/۹۱۷	۴۹/۹۷۲	۵	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۹۱۷
لامبدا ویلکز	۰/۰۸۳	۴۹/۹۷۲	۵	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۹۱۷
اثر هتلینگ	۱۱/۱۰۵	۴۹/۹۷۲	۵	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۹۱۷
بزرگترین ریشه خطا	۱۱/۱۰۵	۴۹/۹۷۲	۵	۳۵	۰/۰۰۰	۰/۹۱۷

مدل

گروه

همانطور که جدول نشان می‌دهد سطوح معناداری تمام آزمون‌ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره را مجاز می‌شمارد. این نتایج نشان می‌دهد که در گروه‌های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنیداری وجود دارد. ($p < ۰/۰۱$ ، $F = ۴۹/۹۷$ ، $\eta^2 = ۰/۱۶$) = لامبدای ویلکز). مجذور اتا نشان می‌دهد تفاوت بین گروه‌ها با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت بر اساس آزمون لامبدا ویلکز $۰/۰۸$ است، یعنی ۹۱ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین گروه‌ها ناشی از تأثیر متقابل متغیرهای وابسته می‌باشد.

نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره مبتنی بر تأثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر ابعاد حساسیت بین فردی شامل (آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمروبی و عزت نفس شکننده).

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P	اتا
مدل	آگاهی بین فردی	۳۸۰/۱۳۸	۱	۳۸۰/۱۳۸	۴/۲۳۲	۰/۰۴۸	۰/۱۱۷
	نیاز به تأیید	۳۷/۸۹۴	۱	۳۷/۸۹۴	۱۱/۵۱۱	۰/۰۰۲	۰/۲۶۵
	اضطراب جدایی	۴۱/۸۶۵	۱	۴۱/۸۶۵	۱۵/۰۸۴	۰/۰۰۰	۰/۳۲۰
	کمروبی	۲۹/۲۳۴	۱	۲۹/۲۳۴	۱۰/۹۵۵	۰/۰۰۲	۰/۲۵۵
	عزت نفس شکننده	۲/۷۶۵	۱	۲/۷۶۵	۰/۶۵۱	۰/۰۲۰	۰/۰۲۰
گروه	آگاهی بین فردی	۱۶۸۱/۴۱۷	۱	۱۶۸۱/۴۱۷	۱۸/۷۱۹	۰/۰۰۰	۰/۳۶۹
	نیاز به تأیید	۱۵۳/۹۸۲	۱	۱۵۳/۹۸۲	۴۶/۷۷۶	۰/۰۰۰	۰/۵۹۴
	اضطراب جدایی	۲۳۳/۳۵۶	۱	۲۳۳/۳۵۶	۸۴/۰۷۹	۰/۰۰۰	۰/۷۲۴
	کمروبی	۱۹۵/۱۶۳	۱	۱۹۵/۱۶۳	۷۲/۹۴۰	۰/۰۰۰	۰/۶۹۵
	عزت نفس شکننده	۸۳/۹۸۰	۱	۸۳/۹۸۰	۱۹/۷۸۲	۰/۰۰۰	۰/۳۸۲
خطا	آگاهی بین فردی	۲۸۷۴/۴۲۵	۳۲	۸۹/۸۲۶			
	نیاز به تأیید	۱۰۵/۳۴۳	۳۲	۳/۲۹۲			
	اضطراب جدایی	۸۸/۸۱۴	۳۲	۲/۷۷۵			
	کمروبی	۸۵/۶۲۲	۳۲	۲/۶۷۶			
	عزت نفس شکننده	۱۳۵/۸۴۹	۳۲	۴/۲۴۵			

همانطور که جدول نشان می‌دهد ابعاد حساسیت بین فردی شامل (آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت نفس شکننده) در زوج‌های در آستانه طلاق در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آموزش رویکرد هیجان مدار تفاوت معنیداری وجود دارد ($p < 0.01$) و ابعاد حساسیت بین فردی شامل (آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت نفس شکننده) در زوج‌های در آستانه طلاق پس از آموزش رویکرد هیجان مدار بهبود یافته است و همچنین ابعاد حساسیت بین فردی در زوج‌های در آستانه طلاق که آموزش رویکرد هیجان مدار دریافت کردند کمتر از زوج‌هایی است که این آموزش را دریافت نکردند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که ابعاد حساسیت بین فردی شامل (آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت نفس شکننده) در زوج‌های در آستانه طلاق پس از آموزش رویکرد هیجان مدار بهبود یافته است و همچنین ابعاد حساسیت بین فردی در زوج‌های در آستانه طلاق که آموزش رویکرد هیجان مدار دریافت کردند کمتر از زوج‌هایی است که این آموزش را دریافت نکرده بودند. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهشهای حجتی و همکاران (۱۴۰۱)، لرکی (۱۴۰۱)، عباس پور و همکاران (۱۴۰۰)، تودورو و همکاران (۲۰۲۳)، میکائیلی (۲۰۲۱) همسو می‌باشد.

در تبیین این فرضیه میتوان گفت که ازدواج یک امر اجتماعی است که هم از طریق ارتباط ایجاد می‌شود و هم پایه و اساس ارتباط را تشکیل می‌دهد و دستیابی به جامعه سالم، در گروه سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر است. از این رو، سالم سازی اعضای خانواده و رابطه آنها، بی‌گمان، اثرهای مثبتی را در جامعه به دنبال خواهد داشت. ارتباط میان فردی، اساس و شالوده هویت و کمال انسان و مبنای اولیه پیوند

وی با دیگران است. ارتباط‌های مؤثر موجب شکوفایی و بهبود کیفیت روابط افراد می‌شود. این در حالی است که ارتباط‌های غیر مؤثر مانع شکوفایی انسان شده و روابط را تخریب می‌کند. هنگامی که رابطه صمیمانه متوقف می‌شود، منازعات فراوان، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، عدم همراهی عاطفی و لاینحل ماندن مشکلات پدید آمده و به مرور به دلزدگی زناشویی منجر می‌شود. بنابراین اساس زندگی و خوشبختی انسان را همین ارتباط‌های میان فردی تشکیل می‌دهد. ارتباط‌های میان فردی، حیات بخش روابط هدفمند است. شکست در برقراری ارتباط یکی از رایج‌ترین مشکلاتی است که از سوی همسران ناراضی ابراز می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دشواری‌های ارتباطی، مشخص‌کننده‌ی روابط همسران پریشان است و به نظر می‌رسد سبب ادامه و تشدید مشکلات موجود می‌گردد با توجه به این مطالب از شکایت‌های معمول زوج‌ها می‌توان منفی بودن تعاملات روزمره‌ی آن‌ها را نام برد. زوج‌های آشفته، نسبت به زوج‌های با رضایت زناشویی، بیش‌تر رفتار منفی و حساسیت بین فردی همسرشان را مطرح می‌کنند. به‌رحال زوج‌های آشفته تمایل دارند که براساس «مقابله به مثل» به رفتارهای منفی همسرشان پاسخ دهند. به عبارت دیگر در یک رابطه‌ی آشفته، اگر یکی از زوج‌ها به طور منفی رفتار کند، دیگری نیز به طور منفی پاسخ خواهد داد. در مقابل، رفتارهای زوج‌های دارای رضایت زناشویی، کم‌تر تحت تأثیر رفتارهای همسرشان است. زوج‌های راضی نسبت به اعمال گذشته همسرشان واکنش خاصی نشان نمی‌دهند. گاتمن و همکارانش در بین زوج‌های آشفته، هفت الگوی مشکل‌زا را شناسایی کرده‌اند که آن‌ها را از زوج‌های دارای سازگاری زناشویی متمایز می‌کند. این هفت الگو عبارت‌اند از: عواطف منفی متقابل، نسبت پایین رفتارهای مثبت به منفی، میزان بالای انتقاد، تدافعی رفتارکردن، تحقیر، عیب‌جویی و اسناددهی‌های منفی و ثابت به همسر. این هفت الگو، به شدت تحت تأثیر هیجانات زوج‌ها هستند و هیجان، نقش اصلی را در واکنش‌های زوج‌ها به یکدیگر ایفا می‌کند. با

توجه به نتایج این فرضیه میتوان گفت که مداخله آموزش رویکرد هیجان مدار می تواند در بهبود حساسیت بین فردی در زوج ها تأثیر مثبت داشته باشد و باعث کاهش حساسیت و مشکلات زوج ها خواهد شد و باید مورد توجه مشاوران فعال در این حوزه قرار گیرد.

از آنجایی که این پژوهش در بین زوج های در آستانه طلاق استان تهران در سال ۱۴۰۳ صورت گرفته است، میتواند تحت تأثیر ویژگیهای خاص این گروه قرار گرفته باشد بنابراین، این پژوهش در تعمیم نتایج به عمل آمده به سایر گروه های دیگر محدودیت دارد. نمونه گیری در دسترس یکی دیگر از محدودیت های پژوهش حاضر بوده است. یکی از محدودیت های دیگر در این تحقیق این بود که محقق در پژوهش درمانگر بود و ممکن است در نتایج تأثیر گذاشته شود.

پیشنهادهای پژوهشی

۱- پیشنهاد میشود برای افزایش تعمیم پذیری یافته ها، پژوهشی مشابه در شهرهای مختلف ایران انجام شود.

۲- پیشنهاد می شود تحقیقی در همین راستا مبتنی بر اثر بخشی آموزش رویکرد هیجان مدار در کاهش مشکلات رفتاری زوج ها صورت گیرد.

۳- پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی (سن، تحصیلات و وضعیت شغلی) کنترل گردد.

۴- پیشنهاد میشود در پژوهش های آینده بهتر است در مداخلات درمانی از سایر متخصصان استفاده گردد تا میزان تأثیر گذاری در نتایج توسط خود محقق کمتر باشد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: تمامی شرکت کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

سهم نویسندگان: تمام نویسندگان در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.
حمایت مالی: این مقاله تحت حمایت مالی- معنوی جایی نبوده و نویسندگان هزینه‌ها را تقبل نموده‌اند.

تعارض منافع: یافته‌های این مطالعه هیچ گونه تضادی با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

قدردانی: بدین وسیله از تمامی شرکت‌کنندگانی که در فرایند پژوهش همراهی کردند، صمیمانه تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

منابع

- حجتی، زهرا؛ نوایی نژاد، شکوه؛ کیامنش، علیرضا (۱۴۰۱). نقش هیجان خواهی در بروز تعارضات زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. لرکی، معصومه السادات (۱۴۰۱). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. اندیشه‌های نوین تربیتی ۴ (۲-۱): ص: ۹۹-۱۲۹. <http://dx.doi.org/10.22051/JONTOE.2008.242>
- محمدیان، سودابه. (۱۴۰۰). بررسی تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر مقوله طلاق در بین زوج‌های شهرستان میاندوآب، پنجمین کنفرانس ملی روان‌شناسی (علم زندگی)، شیراز. <https://civilica.com/doc/144164>
- اسکندری، مریم، پرندین، شیما. (۱۴۰۱). پیش‌بینی کیفیت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های رضایت جنسی و صمیمیت در زوج‌های شهر کرمانشاه، نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۷ (۵۸)، ۱۹۲-۱۸۲. <http://dx.doi.org/10.1001.126454955.1401.17.58.17.6>
- وجودی، رقیه. (۱۳۹۳). مقایسه تحریف‌های شناختی در بین زنان مطلقه، متاهل و مجرد، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین. <https://civilica.com/doc/815142>
- عباس پور، ذبیح اله، موسوی، سیده مریم، و امان الهی، عباس. (۱۴۰۰). طراحی و اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش به ازدواج و نگرش به طلاق فرزندان طلاق. مطالعات زن و خانواده، ۳۹ (پیاپی ۲۲)، ۵۶-۷۷. [SID. https://sid.ir/paper/968420/fa](https://sid.ir/paper/968420/fa)
- علیزاده، آرش و حسین زاده، سیامک و ولی زاده شورجه، علی و حسنعلی زاده، راضیه و بیابانی، زهرا و بابازاده سیلابی، صالح. (۱۴۰۱). نقش حساسیت پردازش حسی، تحریف شناختی بین فردی و تمایز یافتگی خود در اضطراب هستی (وجودی) در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، اولین کنفرانس بین‌المللی سلامت، علوم تربیتی و روان‌شناسی. <https://civilica.com/doc/1640495>
- کریمی، رویا. (۱۳۹۴). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس حساسیت بین فردی در زوج‌ها، سومین کنفرانس ملی مطالعات آسیب‌شناسی روانی و روش‌های نوین درمان، تهران. <https://civilica.com/doc/1579879>

- Bais, J.M. & Parker, W. H.(1989) Interpersonal commitment in historicalperspective. Inj. Adams and W.Jons (Eds.) Handbook of Interpersonal Commitment and Relationship stability . New York: Plenumpublisherc.,(pp.3-36).
- Goldman, A., & Greenberg, L. (1992). Comparison of integrated systemicandemotionally focused approaches to couple therapy. Journal ofCon sulting and Clinical Psychology, (16)60, 962-969. <http://dx.doi.org/10.1037/0022-006X.60.6.962>
- Greenberg, T. R. & bass, H. (2016). Influence of Positive Affect UponCreative Thinking and Problem Solving in Children. PsychologicalReports, 63:895-98. <http://dx.doi.org/10.2466/pr0.1988.63.3.895>
- Greenberg, L. & Goldman, R. (2007). Integrating love and power inemotion-focused couple therapy. European Psychotherapy, 7(1), 117-135. <http://dx.doi.org/10.22034/FCP.0621.49113>
- Greenberg, V. W(2008).Context and interaction: A comparison of individualsactress various income levels. Science Contert, 17(4):48-52. <http://dx.doi.org/10.1057/ivs.2009.22>
- Chen, R.J.(2021). The triangle of love: Intimacy, passion, commitment,New York: Basic Books.
- Mohammadian, R. A. (2016). "Emotional regulation: a theme in search fordefinition". In N. A. Fox, The Development of Emotion Regulation:Behaioral and Biological Considerations.Monographs of the fucityfor Research in Child Development, 59, 25-52.
- Barnestin, M. S (2019). Diet, Exercise and Motivation in Weight Reduction: The Role of Psychological Capital and Stress: Diet, Exercise and Motivation in Weight Reduction. JOJ Nurse Health Care, 9(5), 1-6. <http://dx.doi.org/10.19080/JOJNHC.2018.09.555775>.
- Kamal, N, Abdul. N, Wan, A (2023). Antecedents of Quality Interpersonal Communication in Marriage: A View From Divorcess, Strengthening Governance, Enhancing Integrity.10.15405/epsbs.2023.11.02.7. <http://dx.doi.org/10.15405/epsbs.2023.11.02.7>
- Mikaeil, I.W. (2021) The McMaster Approach to Families: Theory, Assessment, Treatment and Research. Journal of Family Therapy, 22, 168-189. <http://dx.doi.org/10.1111/1467-6427.00145>
- Todorov, E, Paradise, A, Ha, T (2023). Emotion Regulation Difficulties and Relationship Satisfaction in Adolescent Couples: The Role of Conflict Resolution Strategies, Journal of Youth and Adolescence, 52,1753–1767. <http://dx.doi.org/10.1007/s10964-023-01787-6>

